

به یاد ایرج افشار

[دفتر اول]

به کوشش
جواد بشری





سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

بشری، جواد، ۱۳۶۳-، گردآورنده.
به یاد ایرج افشار / به کوشش دکتر جواد بشری.
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۰.
۹۲۴ ص.؛ جدول، نمونه.
مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی؛ ۳۰۶. گنجینه کلیات و مقالات؛ ۸۱.
دوره: ۱-۳۲-۶۷۷۰۶-۶۲۲-۹۷۸، ج. ۱. ۸-۳۳-۶۷۷۰۶-۶۲۲-۹۷۸.
فیبا
کتابنامه.
ادبیات فارسی -- مقاله ها و خطابه ها.
Persian Literature -- Addresses, Essays, Lectures
ایران شناسی -- مقاله ها و خطابه ها.
Iran -- Study and Teaching -- Adresses, Essays, Lectures
افشار، ایرج، ۱۳۰۴ - ۱۳۸۹.
Afshar, Iraj
PIR ۳۳۸۹
۸۴/۶۲۰۸
۸۷۱۴۸۴۹

به یاد ایرج افشار



به کوشش



دکتر جواد بشری

[دفتر اول]



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۸۱]

گنجینه کلیات و مقالات



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



به یاد ایرج افشار

[دفتر اول]



دکتر جواد بشری	به کوشش
کاوه حسن بیگلو	گرافیسیت، طراح و مجری جلد
نرگس عباسپور	صفحه‌آرا
صدف	لیتوگرافی
آزاده	چاپ متن
حقیقت	صحافی
۲۲۰۰ نسخه	تیراژ
۱۴۰۰	چاپ اول

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتراز پارک وی، عارف‌نسب، کوی دبیرسیاچی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۴-۵



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (با معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - دبیر)
سید محمود دعایی (نایب رئیس شورا) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

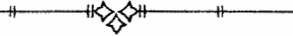
هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیئت مدیره) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس هیئت مدیره)
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر عامل) - محمدرضا رضایزدی (خزانه‌دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب‌الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی



یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ و قفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ و قفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ و قفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت‌نامهٔ دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمت‌های مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت‌نامهٔ دهخدا و محل مؤسسهٔ باستان‌شناسی به‌طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق مادهٔ دوم برای اجرای مفاد وقف‌نامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق مادهٔ ۳ موافقت‌نامهٔ نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیتهٔ انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی ادارهٔ امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیتهٔ نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

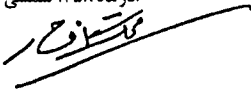
هفتم

چون نگارندهٔ این سطور به واسطهٔ کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها پردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همهٔ ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات موافقت شورای تولید بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظی پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تکمله و تبصره



یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

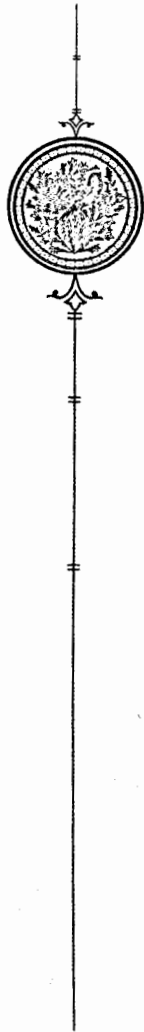
کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکنند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظیه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاز و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چوتوان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کم‌تر از ارزش شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار، در معرفی دفتر اول از «به یاد ایرج افشار»
۲۳	بخشی از یک ترجمه کهن قرآن از سده ششم یا هفتم هجری امیرحسین آقامحمدی
۵۹	ورقی از یک حماسه دینی ناشناخته به فارسی از سده پنجم هجری محمد افشین وفایی
۶۷	تأملاتی بر بن مایه پادافراه پرومته و جزای ابن ملجم محمود امیدسالار
۷۹	در باره اندر سبانی خوارزمی حسن انصاری قمی
۱۳۷	اشعار نویافته عنصری و شاعران دیگر بهروز ایمانی
۱۵۷	معرفی و بررسی نسخه تاج التراجم نیکتا یکرنگ صفاکار - کیانا کفاشیان - مهتا بیگی
۲۳۹	رساله تضعیفیه سید احسان حسینی
۲۷۵	نام و حدود ایران جلال خالقی مطلق
۲۸۳	اشعار چند شاعر متقدم در کتاب المستبصر محمد کاظم رحمتی
۲۸۹	دیوان روح الدین عطار شیرازی علی رحیمی واریانی
۳۸۱	زبان فارسی در قلمرو اردوی زرین رادمان رسولی مهربانی
۴۲۵	گلستان و آرون نویسی شده امید سروری
۴۳۳	ابن قیصرانی و سماع و موسیقی محمدرضا شفیعی کدکنی
۴۳۹	مصالحه نامه‌ای به زبان فارسی از سال ۴۷۳ق پژمان فیروزبخش
۴۴۹	تصحیح چند خطای رایج درباره نام ایران سید احمد رضا قائم مقامی
۴۶۹	یادداشت‌ها و نکاتی از آثار علامه قزوینی جواد بشری
۵۵۵	از جنگ اسکندری مجتبی مینوی
۵۸۹	رباعیات ذیل خلاصه الاشعار سید علی میرافضلی
۶۴۵	لسان التنزیل با گفتاری از احمد تقضلی
۸۵۵	نمایه‌ها

پیشگفتار

در معرّفی دفتر اوّل از «به یاد ایرج افشار»

دفتری که در اختیار خوانندگان قرار دارد به یاد استاد ایرج افشار (۱۶ مهر ۱۳۰۴ - ۱۸ اسفند ۱۳۸۹)، بزرگمرد تاریخ معاصر ایران در زمینه ایرانشناسی، مجله‌نگاری، تصحیح و کتابشناسی فراهم آمده است. خداوند را شاکرم که این دفتر پس از دو یا سه سال پیگیری، شکل کنونی را به خود گرفت؛ و از همه استادان و پژوهشگرانی که در گام نخست گرامی داشت یاد استاد بزرگمان، مقالات و پژوهش‌های تصحیحی خود را در اختیار قرار دادند تشکر می‌کنم. این مجموعه، دست‌کم دفتر دومی نیز خواهد داشت که امیدوارم پس از گذراندن مراحل معمول، به‌زودی انتشار یابد. در مجلد نخست، این آثار قرار دارد (چینش الفبایی، بر اساس نام خانوادگی پدیدآور یا مصحح):

۱. بخشی از یک ترجمه کهن قرآن از سده ششم یا هفتم هجری (دستویس شماره ۱۴۸۰۴ کتابخانه مرعشی)، به تصحیح امیرحسین آقامحمدی: اجزائی از یک قرآن مترجم دارای ۴۰ برگ، ظاهراً متعلق به سده ششم یا هفتم هجری به شماره ۱۴۸۰۴ در کتابخانه مرعشی در قم وجود دارد که جز این بخش، دستویس ۱۴۸۰۵ آن کتابخانه نیز در ۳۹ برگ، به همان قرآن مربوط می‌شود و امید است در آینده به دنبال این تصحیح، بررسی و منتشر شود. در دستویس ۱۴۸۰۴ سوره یونس به‌صورت کامل، ۳۱ آیه نخست سوره هود، آیات ۲۳ تا ۷۳ سوره یوسف و آیات ۲۱ تا ۱۷۲ سوره شعراء وجود دارد که بخش ترجمه آن در اینجا تصحیح و با مقدمه‌ای منتشر شده است.

۲. ورقی از یک حماسهٔ دینی ناشناخته به فارسی از سدهٔ پنجم هجری، محمد افشین وفایی: که در آن برگگی از یک منظومهٔ حماسی دینی ازدست‌رفته به زبان فارسی، مشتمل بر ۲۴ بیت، بررسی شده که در سال‌های اخیر در افغانستان به دست آمده و بی‌تردید نباید بعد از نیمهٔ دوم سدهٔ پنجم هجری کتابت شده باشد. این برگ بسیار کهن به مغازی رسول اکرم^(ص) اختصاص دارد و به تعبیر دقیق‌تر توصیف پهلوانی خالد بن ولید، فرمانده سپاه اسلام در نبرد تن‌به‌تن وی با امیر زباله است. با انتشار این کشف، شاید به یکی از آثار مناقب‌خوانان یا فضائل‌خوانان سدهٔ پنجم دست پیدا کرده باشیم.

۳. تأملاتی بر بن‌مایهٔ پادافراه پرومته و جزای ابن‌ملجم، محمود امیدسالار: معرفی یکی از منابع مهم غربی در مطالعهٔ حکایات مذهبی و اندرزی در اروپای قرون وسطی با عنوان «ایندکس آگزمپولوروم» («راهنمای حکایات مذهبی عبرت‌آمیز») اثر فردریک توباخ است که در آن ۵۴۰۰ حکایت مذهبی قرون وسطایی در مجموعه‌های اندرزی و خطابی اصحاب کلیسا تلخیص و طبقه‌بندی گردیده و ۴۴ هزار روایت از آن حکایات در منابع مختلف آن عهد نشان داده شده است. کتاب توباخ که تسهیل‌کنندهٔ پژوهش‌های فولکلور، تاریخ فرهنگ، تاریخ ادبیات و تاریخ ادیان است، همچنین شمارهٔ بن‌مایه‌های موجود در هر حکایت را طبق فهرست بین‌المللی استیث تامسون امریکایی به دست داده است. نویسندهٔ مقاله، به عنوان نمونه، یکی از داستان‌های خرافی را که در برخی منابع به‌عنوان جزای ابن‌ملجم ثبت شده، بررسی کرده و نشان داده که این حکایت مطابق با بن‌مایهٔ شمارهٔ Q500 «مجازات خارق‌العاده»، و یادآور مجازات پرومته در منابع کلاسیک اروپای باستان است.

۴. دربارهٔ اندرسبانی خوارزمی، حسن انصاری: که در آن به اهمیت آثار دانشمند بزرگ حوزهٔ خوارزم، عبدالسلام اندرسبانی، از روی دستنویس‌های کهن و بعضاً دیریاب آن پرداخته شده است. نویسنده ابتدا به محتویات دستنویس شمارهٔ S2387 انستیتو مطالعات شرقی آکادمی سن‌پترزبورگ (شاید به‌خط پدیدآور)، اثری در تراجم از سدهٔ ششم هجری، پرداخته و مطالب زیادی از آن را در بررسی خود نقل کرده است. سپس تألیف دیگری از این عالم را، موسوم به «الجامع البهی لدعوات النبی» معرفی کرده که در ۱۶۰ باب و مشتمل بر ۱۵۳۰ متن روایت در دعاست، و در بخشی دیگر، «کتاب الاربعین البلدانیة» را از او بررسی نموده است. در جایی از

این مقاله نیز موضع معتزلیان خوارزم در سده ششم هجری، بر اساس کتاب نخست، یعنی دستنویس روسیه، تحلیل شده است.

۵. اشعار نویافته عصری و شاعران دیگر، بهروز ایمانی: در این پژوهش یکی از منابع کهن بلاغت فارسی بررسی و ابیات نویافته‌ای از شاعران متقدم فارسی‌گوی در آن برای نخستین بار استخراج و منتشر شده است. وجود شمار زیادی شعر تازه از عنصری بلخی، یکی از مهم‌ترین وجوه این کشف به شمار می‌رود. همچنین پدیدآور مقاله ابیاتی از غضنابری رازی، دقیقی طوسی، عزالدین شروانی، عمادی شهریار، ازهری مروزی و ابن شرفشاه را به عنوان ابیات تازه‌یاب دیگر از این منبع عرضه نموده است.

۶. معرفی و بررسی نسخه تاج التراجم (کتابخانه قلیچ‌علی‌پاشا)، مهتا بیگی، نیکتا یکرنگ، کیانا کفاشیان: یکی از دستنویس‌های بررسی‌نشده تفسیر تاج‌التراجم اسفراینی، دستنویس ناقصی در کتابخانه قلیچ‌علی‌پاشاست که نگارنده مدتی قبل توفیق معرفی اجمالی آن را در یادداشتی در مجله آینه پژوهش («پایرگ ۱۵») به دست آورد. اما پس از انتشار یادداشت مزبور، دریافت که این دستنویس ظاهراً به‌خط کاتب دستنویس دیگر همین اثر، محفوظ در کتابخانه فاتح است. دستنویس حاضر که مشتمل بر ابتدای سوره اعراف تا آیه ۱۰۹ سوره کهف (به‌جز افتادگی تفسیر آیات ۱۵ تا ۵۴ سوره اعراف) است، از حیث قدمت جزو کهن‌ترین دستنویس‌های متون فارسی و دارای ارزش‌های فراوان، هم در تصحیح مجدد اثر و هم در مطالعه وضعیت زبان فارسی در اوایل سده ششم هجری است. نگارندگان مقاله با بررسی همه‌جانبه خود، برخی دیگر از فعالیت‌های کاتب دستنویس حاضر را نشان داده و در بخش مهمی از پژوهش خویش جزئیات برخی ضبط‌ها و اهمیت شمار زیادی از آن‌ها را نشان داده‌اند.

۷. «رسالة تضعیفیه» ابواسحاق کوبنانی، به تصحیح سید احسان حسینی: که اثر مهمی پیرامون مسأله تضعیف بیوت شطرنج، از ابواسحاق شیخ‌زاده ابن عبداللّه خادم برهانی کوبنانی، متعلق به نیمه دوم سده نهم هجری است. در واقع این مسأله شبه‌ریاضی به تعبیر دیگر مجموع جملات یک تصاعد هندسی با جمله اول یک و قدر نسبت ۲ است، سؤالی که در دوره اسلامی مورد توجه برخی ریاضی‌دانان قرار گرفته و کوبنانی کرمانی، یکی از آن‌هاست. دستنویسی که این متن از روی آن بررسی و تصحیح شده، بخش هفتم از دستنویس مجموعه‌ای به شماره ۲۴۱۷

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است که در ۸۶۸ق در جزیره هرمز به دست خود پدیدآور کتابت شده است. همچنین مصحح در برخی موارد معدود از نسخه دیگر اثر در کتابخانه مجلس بهره برده است.

۸. نام و حدود ایران، جلال خالقی مطلق: یادداشت و چند تذکر پیرامون اطلاق نام «ایران» بر کشورمان از ادوار قدیم است که طی آن موضع ناصحیح و غیرعلمی برخی مغرضان که اطلاق این نام را بر کشور، امری بسیار متأخر و از عهد پهلوی اول می دانند رد شده است. این یادداشت، دارای ارجاعی به پژوهش قدیم نویسنده با همکاری دکتر جلال متینی نیز هست که حدود سه دهه پیش با عنوان «ایران در گذشت روزگاران» در مجله ایرانشناسی منتشر شده بود. پرسش و پاسخی نیز که در جلسه‌ای با همین موضوع صورت گرفته، در بخش دیگر این یادداشت تلخیص و نقل شده است.

۹. اشعار چند شاعر متقدم در کتاب المستبصر، محمدکاظم رحمتی: در این مقاله ابتدا نشان داده شده که کتاب عربی صفة بلاد الیمن و مکه و بعض الحجاز یا تاریخ المستبصر، که در ۱۹۵۱-۱۹۵۴م به تصحیح لوفگرین انتشار یافته، از ابن مجاور شیبانی دمشقی (۶۹۰ق) نیست، بلکه اثری از فرزندی محمد بن مسعود بن علی بن احمد بن مجاور بغدادی نیشابوری، معروف به «ابن مجاور» است که آن را در میان سال‌های ۶۱۸-۶۲۶ق پدید آورده است. یکی از وجوه اهمیت اثر که در این پژوهش به آن پرداخته شده، وجود برخی اشعار فارسی در آن است. در واقع ابن مجاور نیشابوری، با این که ظاهراً پدرش از خراسان به بغداد هجرت کرده بوده، فارسی می دانسته و اشعار مهمی را از برخی شاعران فارسی سرای پیش از خود در بخش‌هایی از این کتاب نقل کرده است.

۱۰. دیوان روح‌الدین عطار شیرازی، به تصحیح علی رحیمی واریانی: که تصحیح انتقادی دیوان روح‌الدین عطار شیرازی، سراینده سده هشتم هجری است که پیش‌تر یک بار به شکل غیرروشمند چاپ شده بود و اینک به شکل دقیق و علمی عرضه می‌شود. مصحح علاوه بر دستنویس واحد دیوان شاعر در کتابخانه مجلس، شماره ۱۱۸۲، مورخ ۸۵۵ق، به سنیفه‌ها و جنگ‌هایی که اشعاری از این سراینده را نقل نموده نیز مراجعه کرده است. او در مقدمه همچنین مطلبی را از یک رونوشت از این دیوان، متعلق به سعید نفیسی (دستنویس کنونی کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۶۱۱۰) نقل می‌کند که نشان می‌دهد دستنویس موجود در کتابخانه مجلس زمانی متعلق به نفیسی بوده و به طریقی از دست او خارج شده است. نفیسی در رونوشت جدیدی که برای خود از همین نسخه مجلس تهیه کرده، علاوه بر اشعار دستنویس مقصد، ۱۱ غزل را هم از سایر منابع در انتهای دیوان می‌افزاید که همگی در تصحیح حاضر عرضه شده است. فهرست الفبایی سرآغاز اشعار بر اساس حروف پایانی ابیات نیز، در انتهای دیوان قرار دارد که بر فایده آن می‌افزاید.

۱۱. زبان فارسی در قلمرو اردوی زرین، رادمان رسولی مهربانی: پژوهشی درباره وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دشت قبچاق غربی و سایر مناطق تحت امر فرمانروایان اردوی زرین (حک ۶۳۷-۸۴۱ق)، و نه حکمرانان «اردوی سفید»، که با دقتی ستودنی انجام شده است. این بررسی شبه‌جزیره کریمه را نیز شامل می‌شود که از منظر حضور برخی ادبای فارسی‌زبان حائز اهمیت است. پدیدآور مقاله همچنین علاوه بر شواهد حضور زبان فارسی در این مناطق نزد مسلمانان، به بهره‌مندی مسیحیان و یهودیان از زبان فارسی نیز توجه داده است.

۱۲. گلستان وارون‌نویسی شده، امید سروری: در این مقاله دستنویسی از گلستان سعدی، به‌خط لطف‌الله حسنی، مورخ ۱۲۳۷ق، محفوظ در کتابخانه مجلس معرفی شده که به گونه‌ای متفاوت کتابت گردیده است. پدیدآور مقاله علاوه بر اصلاح نسبت کاتب (از «حسینی» به «حسنی») که به اشتباه در فهرست مجلس ثبت شده، نشان داده که این کاتب، نه به قصد صرفه‌جویی در مصرف کاغذ، بلکه ظاهراً به‌تیت تقنن، پس از آن‌که یک بار گلستان را از ابتدا تا اواخر باب چهارم با فاصله زیاد میان سطور کتابت کرده، ادامه متن و همچنین مجلس ثانی از مجالس خمسة سعدی را به صورت وارونه و معکوس بر روی همان سطرهای پیشین استساخ نموده است. روشی که گاه در میان مرقعات و قطعات خط نمونه‌هایی دارد و در کتابت متون می‌توان از آن به نوعی «وارون‌نگاری» یا «وارون‌نویسی» تعبیر کرد.

۱۳. ابن‌قیسرانی و سماع و موسیقی، محمدرضا شفیعی کدکنی: درباره رساله مهمی از ابن‌القیسرانی مقدسی (۴۴۸-۵۰۷ق)، عالم بزرگ علم حدیث و صاحب‌نظر در شناخت روایات و نقد راویان حدیث است که در آن با نگاه علم‌الحدیثی خود و به‌شیوه‌ای کاملاً سستی از «سماع» و «موسیقی» دفاع کرده است. نویسنده مقاله که در پژوهشی دیگر بر اساس کتاب

صفوة التصوّف به مسأله «نظام خانقاه در قرن پنجم به روایت ابن قیسرانی» پرداخته، مطالب این رساله مستقل را که مشتمل بر دو بخش است، تلخیص و تحلیل نموده است.

۱۴. مصالحه‌نامه‌ای به زبان فارسی از سال ۴۷۳ق، پژمان فیروزبخش: که بررسی و تصحیح کهن‌ترین سند مصالحه‌نامه یا وثیقه صلح به زبان فارسی متعلق به تاریخ سه‌شنبه ۱۳ جمادی‌الاولی ۴۷۳ق است که از افغانستان کنونی به دست آمده و در یک مجموعه خصوصی قرار داشته است. این سند در ردیف اسناد شرعی قرار دارد و نشان‌دهنده رواج زبان فارسی در آن مناطق برای نوشتن وثائق در دارالشرع‌هاست. مصحح علاوه بر خوانش دقیق سند، یادداشت‌های ارزنده‌ای نیز در توضیح اجزای آن نگاشته است.

۱۵. تصحیح چند خطای رایج درباره نام ایران، احمدرضا قائم‌مقامی: پژوهشی پیرامون نام «ایران» در منابع کهن و برخی توضیحات ارزنده درباره اقلیم و قلمرو ایران در ادوار کهن است که با استناد به منابع اصیل و دست‌آورد و بر اساس روش‌های رایج در مطالعات تاریخی و ریشه‌شناسی نگاشته شده و در آن همچنین خطاهایی از پژوهش‌های پیشین، از جمله پژوهش‌های مهدی احدیان (کتاب سرگذشت نام ایران، آوای خاور، ۱۳۹۸) و سید صادق سجادی (مقاله «نام و قلمرو ایران و ایرانیان در نخستین قرون اسلامی»، ایرانشهر امروز، ۱۳۹۷) اصلاح گردیده است.

۱۶. چند سند و یادداشت مرتبط با علامه قزوینی، محمد قزوینی: شامل چند نامه و یادداشت از علامه محمد قزوینی یا خطاب به اوست که از منابع مختلف گردآوری شده و جز یکی (که قبلاً به شکل حرفی در فرهنگ ایران‌زمین چاپ شده بود)، برای نخستین بار به این صورت (همراه با اصل دستخط قزوینی در اغلب موارد) منتشر می‌شود.

۱۷. رباعیات ذیل خلاصه الاشعار، به تصحیح سید علی میرافضلی: مشتمل بر تصحیح رباعیاتی است که در بخش «ذیل» تذکرة عظیم تقی‌الدین کاشانی (خلاصه الاشعار) وجود دارد. طبق توضیح مصحح، تقی کاشی این بخش را بعد از اتمام تدوین تذکرة خود به‌مثابه «ذیل» و بدون هیچ شرح حالی، از اشعار ۲۱۰ شاعر متقدم و متأخر انتخاب کرده است. این «ذیل» در واقع منتخبی از انواع اشعار است که در آن غزلیات و رباعیات جایگاه ویژه‌ای دارد و مصحح، تنها به رباعیات پرداخته و ۳۰۳ رباعی موجود در آن را از روی دو دستنویس (دستنویس برلین و دستنویس

لندن) تصحیح و انتساب آن‌ها را طبق روش تحلیلی عمیق خود، بررسی کرده است.

۱۸. از جُنک اسکندری، مجتبی مینوی: حاوی یادداشت‌برداری‌های مجتبی مینوی از اصل دستنویس «جُنک اسکندر میرزا تیموری» محفوظ در کتابخانه بریتانیاست که در مطالعات شعرشناسی، از دیرباز مورد توجه بوده و این فیش‌ها و یادداشت‌ها، در زمره یکی از نخستین برخورد‌های تحقیقی با آن منبع است. با نشر امانت‌دارانه این یادداشت‌ها، همچنین نگاه مینوی در اولویت‌دادن به ثبت برخی سروده‌های این منبع نمایان می‌شود و نمونه‌ای از اهتمام پژوهشگران بزرگ ادبیات فارسی در مطالعات شعرشناسی عرضه می‌گردد. اصل یادداشت‌ها در دفتری چندبخشی به شماره ۱۰۶ خطی در کتابخانه وقفی استاد مینوی در تهران محفوظ است که به تصویر آن در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم مراجعه شد.

پایان‌بخش این دفتر نیز چاپ عکسی دستنویسی ممتاز و کهن از لسان التزیل است که در بریتانیا نگهداری می‌شود و در آغاز، با توضیحی از مرحوم دکتر احمد تقضلی همراه شده است. در انتها لازم است اشاره کنم که تدوین این دو دفتر (که دفتر دوم در دست ویرایش نهایی و نمایه‌سازی است و به زودی ان‌شاءالله منتشر خواهد شد) به قدر بضاعت من بوده و از میان استادان و محققانی که در سراسر جهان مشتاق بودند در یکی از مجموعه‌هایی که به یاد استاد ایرج افشار منتشر می‌شود سهمی داشته باشند، تنها توفیق داشتم گفتارهای کنونی را گردآوری و مهیای چاپ کنم. اگر این مجموعه به هر شکل ادامه یافت، «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار» از گفتارهای پژوهشی و آثار تصحیحی ارسالی استقبال خواهد کرد تا پس از طی مراحل داوری، دفاتر گرانقدر دیگری به دنبال این دو مجلد عرضه شود. در زمان اشتغال به این کار، همراهی دلپذیر و مدبرانه دوست دانشمند و بسیار مشفق، دکتر محمد افشین‌وفایی و همچنین فرزندان گرامی استاد ایرج افشار، باعث دلگرمی و موجب پیشرفت سریع کارها بود. از سرکار خانم عبّاسپور که آثار را به بهترین شکلی صفحه‌آرایی کردند و برخی مقالات را طبق نظر پدیدآوران بازتنظیم و اصلاح نمودند بسیار متشکرم، و مجدداً از همه استادان و پژوهشگران همراه در این دو دفتر سپاسگزاری می‌کنم.

بخشی از یک ترجمه کهن قرآن

از سده ششم یا هفتم هجری

(دستنویس ۱۴۸۰۴ مرعشی)

تصحیح: امیرحسین آقامحمدی*

مقدمه

با آن که نسخه‌های فراوانی از برگردان‌های کهن قرآن کریم وجود دارد، ترجمه‌ها کمتر از تفاسیر چاپ شده است. یکی از دلایل آن می‌تواند انتشار فرهنگنامه قرآنی آستان قدس^۱ باشد که محققان را در برهه‌ای از زمان، ظاهراً از دیدن بسیاری از ترجمه‌ها بی‌نیاز نشان داد. اما همچنان شمار زیادی ترجمه کهن قرآن وجود دارد که توجه به آن‌ها، بازنگری‌شان و گاه انتشارشان، می‌تواند حداقل برای علاقه‌مندان به سیر تحول زبان فارسی مفید باشد. به نظر مفیدتر است اگر پژوهشگران به جای تلاش طاقت‌فرسا برای جمع‌آوری لغات قرآنی^۲، سالی یک ترجمه از قرآن را به‌اختصار معرفی کنند^۳ و چند

* دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران.

۱. محمدجعفر یاحقی و همکاران، ۱۳۸۹، فرهنگنامه قرآنی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
۲. فرزاد جعفری، ۱۳۹۴، فرآیند: فرهنگ واژگان دشوار و نوادر قرآن کریم بر پایه ترجمه‌های کهن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ علی‌روایی، فرهنگنامه بزرگ قرآنی، ج ۱، ۱۳۹۵؛ ج ۲، ۱۳۹۶، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳. از جمله این کوشش‌ها مقاله «قرآن خراسان، دختر نیشابور» نوشته جناب مرتضی کریمی‌نیا (ترجمان وحی، ۱۳۹۶، ش ۴۲، صص ۷۱-۱۲۰) است که دوازده بخش از این قرآن را معرفی کرده است. همچنین می‌توان از «معرفی قرآن زعفرانی» به همت نام‌برده در سال ۱۳۹۷ یاد کرد که اکنون می‌دانیم دو دستنویس کهن مترجم از آثار «ابوالفخر بن ابی‌الفضل زعفرانی» از عهد سلجوقی بر جای مانده و به همت ایشان در دست چاپ قرار دارد.

سال یکبار نیز شاهد انتشار زبده‌ترین این برگردان‌های کهن فارسی باشیم، چنان‌چه پیش‌تر شاهد انتشار آثاری مانند «ترجمه قرآن موزه پارس»^۱، «ترجمه قرآن قرن دهمی از مترجمی ناشناخته»^۲، «ترجمه قرآن ماهان»^۳ و جز آن بودیم.

باری، دستنویس شماره ۱۴۸۰۴ کتابخانه آیه‌الله مرعشی در قم یکی از آن قرآن‌هاست که به‌خط ثلث محقق کتابت شده و هر صفحه آن شامل ۷ سطر است. ابعاد دستنویس ۲۸/۵ در ۳۵ سانتی‌متر و در کل دارای ۴۰ برگ است. ترجمه زیرنویس (تحت‌اللفظی) نسخه نیز به‌خط نسخ ریزتر کتابت شده است. این اوراق، شاید بخشی از یک ترجمه کامل بوده که جز این بخش و بخش دیگری دارای ۳۹ برگ که به‌شماره ۱۴۸۰۵ در همان کتابخانه محفوظ است، باید به دنبال قسمت‌های دیگری از آن در گنجینه‌های خطی اسلامی بود. در این دو بخش، رقم کاتب به چشم نمی‌خورد و زمان کتابت را ناچار بایستی از روی قرائن نسخه‌پردازی تعیین کرد. در فهرست کتابخانه آیه‌الله مرعشی این تاریخ «پیرامون سده ۶» حدس زده شده و اگر سخنگیرانه عمل کنیم، می‌توان این زمان را تا اوایل سده هفتم هجری نیز گسترش داد. متن، ترجمه و اعراب‌گذاری هر سه به رنگ مشکی است و آیات با نقاط زعفرانی از هم جدا شده‌اند. برخی اختلاف قرائات در حاشیه مذکور است. مدّات و علائم تجویدی نیز که عبارت از «لا، ج، ط، ص، قف» است، به‌شنگرف نموده شده‌اند.

سوره یونس به‌صورت کامل و ۳۱ آیه نخست از سوره هود، و نیز آیات ۲۳ تا ۷۳ سوره یوسف، و ۲۱ تا ۱۷۲ سوره شعراء، آیاتی هستند که از این مصحف ۴۰ برگی با ترجمه فارسی باقی مانده است.

در پژوهش پیش‌رو، علاوه بر گزارش متن ترجمه، به برخی ویژگی‌های املائی و خصوصیات زبانی در بخش شماره ۱۴۸۰۴ اشاره می‌شود.^۴ خصائص لهجه‌ای و املائی از جنبه‌های مهم پژوهش پیرامون ترجمه‌های قرآنی است، لذا کوشش شده تا حد امکان ضبط دقیق نسخه حفظ و گزارشی با کمترین دخل و تصرف عرضه شود.

۱. به‌تصحیح دکتر علی رواقی، ۱۳۵۵، بنیاد فرهنگ ایران.

۲. به‌تصحیح دکتر علی رواقی، ۱۳۸۳، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۳. به‌تصحیح دکتر محمود مدبری، ۱۳۸۳، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۴. امید است در آینده دستنویس شماره ۱۴۸۰۵ نیز بررسی و گزارشی از ویژگی‌های آن عرضه شود.

برخی ویژگی‌های املائی و زبانی

- در سراسر نسخه از مدّ بر سر الف استفاده نشده و اگر در این گزارش دیده شد، نتیجه دخالت مصحح است.

- حروف مخصوص فارسی اغلب به صورت «ب، ج، ک» کتابت شده، اما واژه «اژدها» به شکل اصلی با سه نقطه ضبط شده است (۱۷پ). در تصحیح کنونی تغییری اندک و غیرقابل اجتناب رخ داده و آن تبدیل «ب» به «پ» در برخی موارد است، که عبارتند از: بادشاه، باره باره، بدید آرند، براکنده، برسیدن، بس، بس روی، بشیمانی، بنهان، بنداری، بوشند، بیابی، بیدا، بیراهن، سبید، ناسباس.

- تنها در یک مورد و آن هم فعل «بیفکنی» (۱۵پ)، فای اعجمی^۱ به چشم می خورد، و مابقی مشتقات این فعل به شیوه کنونی ضبط شده است (۱۸ر).

- چه در متن و چه در ترجمه، زیر حروف «دال، راء، صاد، طاء» نقطه گذاری شده تا از «ذال، زاء، ضاد، ظاء» متمایز شود. با این حال درباره ضبط ذال معجمه، گویا فقط لفظ «خذا» اغلب با ذال کتابت شده است. «گذاشتن/ گذاشتن» و نیز «گذشتن/ گذشتن»، «برادر/ برادر»، «پدر/ پدر» ضبطی دوگانه دارد.

- حرف «س» نیز، هم در متن و هم در ترجمه، دارای سه نقطه تحتانی است.^۲

- «که» به چندین شکل نوشته شده است: غالباً به شیوه نگارش نسخه های کهن، به صورت «کی» (۱۴پ)، در اتصال به کلماتی مانند «آنک، آنانک، آنچ، هرک» به صورت «ک»، و یا به شکل متداول امروز، یعنی «که» (۸پ). اما هیچگاه در اتصال به کلمه قبلی دیده نمی شود.

- کاتب در برخی موارد «ن» در آغاز فعل منفی را جدا از فعل می نویسد: «و نه بودند راه یافته گان» (۱۰ر). هنگامی هم که فعل با «ب» آغاز می شود و «ن» پس از آن قرار می گیرد، در تنها نمونه موجود به این صورت عمل شده است: «وگر بنگردانی از من کید ایشان میل کنم به

۱. درباره فای اعجمی، رک: علی اشرف صادقی، ۱۳۵۰، «خصوصیات زبانی تفسیر قرآن پاک»، صص ۴۶-۴۴.

۲. شماری از قرآن های کهن که در آن حرف «س» با سه نقطه زیرین کتابت شده عبارتند از: قرآن شماره ۲۰۶۴ آستان قدس (ش ۲۷ فرهنگنامه قرآنی)، ترجمه قرآن ری (ش ۲۹ فرهنگنامه قرآنی)، قرآن شماره ۱۷۱۳ آستان قدس (ش ۴۱ فرهنگنامه قرآنی) و نیز قرآن های شماره ۴۴ و ۶۸ فرهنگنامه قرآنی. این ویژگی، در بسیاری از نسخه های کهن فارسی دیده می شود و گردآوری و عرضه نمونه های بیشتری از آن در این مجال نمی گنجد.

ایشان» (۲۷پ). مابقی افعال در بخش بررسی شده از این ترجمه، «ن» و «ب» را همزمان ندارد. همچنین آمدن «ن» بر سر پیشوند فعلی نیز محدود به یک مثالست: «چرا نفروفرستاد برو گنجی یا نیامد برو...» (۳۸پ).

«ی» پایان کلمات، در اکثر موارد با دو نقطه زیر آن کتابت شده است.

۱- املاهای کلمات عربی مختوم به تاء در نسخه به سه صورت دیده می‌شود: ۱. املاهای عربی: عَزَّة؛ ۲. با تاء کشیده: آیت، رحمت؛ ۳. هر دو شکل: آخرة/ آخرت، حقیقه/ حقیقت، عبادت/ عبادت، نعمه/ نعمت.

حذف‌های غیرملفوظ هنگام جمع بستن: سینهاشان.

در اغلب موارد صامت میانجی نیامده است: «ایتها خدا» (۳۴ر). پس از آن، وجود صامت میانجی «ء» بیشترین بسامد را دارد، و در آخر «ی». صامت میانجی «ا» در متن وجود ندارد.

ویژگی‌های ترجمه

گذشته از املا و ضبط‌های حائز اهمیت از منظر زبانی، نکته قابل ذکر درباره ترجمه حاضر و سایر برگردان‌ها، ترجمه اشتباه است. برگردان و نقل نارسا، گاه قابل اغماض است. اما موارد دارای اشتباه، منحصر به یکی دو نمونه نیست و می‌توان شواهدی برای آن یافت. برای نمونه، برابر نهادن «ای جماعت» با «یا ایها الملائ» (۳۰ر)، یا ترجمه نکردن برخی ضمائر پیوسته: «إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ: فرزندان از قوم» (۱۶ر)، و همچنین مسامحه درباره شخص فعل که در ترجمه‌های قرآنی کم نیست و در این نسخه نیز وجود دارد و شاید ریشه در اختلاف قرائات رایج در مناطق مختلف جهان اسلام داشته باشد و این که ترجمه را از نسخه مترجمی مغایر با قرائت رایج کتابت شده خویش اخذ می‌کرده‌اند: «هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ: آنجا بیازماییم هر تنی را انج کرد» (۷پ).

این خطاها که در اغلب ترجمه‌های کهن وجود دارد، و منشأ بسیاری از آن‌ها همین پای‌بند نماندن به نحو عربی (و بیش از آن نحو فارسی) است، سبب ساختارهای دلنشین در متون قرآنی شده است. اما این موارد تیغ دولبه‌ای است که در برخی موارد معنا را واژگون می‌کند و آن وقت لازم می‌شود کسی ترجمه را از نو ترجمه کند، مثلاً:

«قُلْ أَتَّبِعُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ... بگو خبر می دهد خدا به آنچه ندانند در آسمان ها و نه در زمین» (۵ر).

همچنین اصرار مترجم بر آن که ضمائر پیوسته عربی را به صورت ضمیری جدا برگرداند، گاه سبب تعقید می شود: «فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ: هر که راه یافت بحقیقه راه یافت برای او». - «رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ... تو بدادی فرعون را و قوم او را زینتی و مالها در زندگانی دنیا خدای ما تا گمراه شدند از راه تو» (۱۶پ).

- «و ما نحن بتأويل الاحلام بعالمين: ... و نه ایم ما به تعبیر خوابها عالمان» (۳۰ر). «الاحلام» باید معادل معرفه داشته باشد تا سخن درست و راست شود، و گرنه معبری که تعبیر خواب نداند، قابل تصور نیست!

این ترجمه «کلمه در برابر کلمه»، اگر بتوان با تساهل آن را «ترجمه تحت اللفظی» نامید، سبب شده توضیح و تفسیر در آن به کمترین حد ممکن برسد. مثلاً توجه خاصی که مترجم به «دفع زلیخا» در آیه ای (یوسف، ۲۴) داشته است: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهٖ: به درستی همت کرد زلیخا به یوسف و همت کرد یوسف به دفع زلیخا» (۲۵پ).

با این همه و با در نظر گرفتن اشتباهات املائی کاتب، که کم نیست و در پاورقی عرضه شده، ارزش این ترجمه به نظر قرن هفتمی (یا پایان قرن ششمی) پابرجاست. این ترجمه شباهت بسیاری به «ترجمه قرآن ری»^۱ دارد و نظر به شمار واژگان عربی، شاید جدیدتر از آن باشد. نمونه نو شدن ترجمه، واژه «اِنَّ» است. زیرا «اِنَّ» در برگردان های کهن قرآن به حرف ربط/ تعلیل «که» ترجمه شده و در ترجمه های متأخر مانند همین «ترجمه قرآن ری»، همواره «به درستی که» معادل گذاری می شود، و در ترجمه کنونی کراراً «به حقیقت»:

«اِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُوْنَ مَا تَمْكُرُوْنَ» (یونس: ۲۱): «به درستی که رسولان ما می نویسند آنچه شما می کنی از مکر» (ترجمه قرآن ری، ص ۱۹۵): «بحقیقه رسولان ما می نویسند آنچه مکر می کنی شما» (نسخه ش ۱۴۸۰۴، ۵پ).

یا اَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَّا بَعَثْنٰكُمْ عَلٰى اَنْفُسِكُمْ (یونس: ۲۳): «ای مردمان از بهر آنکه بزه شما ور

۱. به تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی، ۱۳۶۴.

تن‌های شماسست» (ترجمه قرآن ری، ص ۱۹۵): «ای مردمان بحقیقه ظلم شما بر تن‌ها شماسست» (نسخه ش ۱۴۸۰۴، ۶ر).

شاهد دیگر، بررسی شمار الفاظ سره است. الفاظ عربی در متون فارسی و ترجمه‌های قرآنی در قرن ششم و هفتم رو به افزایش نهاده که در مطالعات پژوهشگران سبک‌شناسی به آن اشاره شده است.^۱ در این ترجمه نیز نمونه‌هایی از جانشینی الفاظ تازی به جای معادل‌های فارسی کهن، دیده می‌شود:

- «گردن‌داده/نهاده» برای «مسلمین» در متن نیست، و به «مطیعان/مسلمانان» ترجمه شده است.

- «و یتلوه شاهد منه: ... و بر اثر او بود گواهی ازو» (۳۹ر) تازی‌شده عبارت «برپی/از پی/از پس» است.

- وجود هم‌زمان لفظ‌های «باوردارندگان» و «مؤمنان» در ترجمه.

- «همت کردن» به جای «آهنگ کردن/خواستن» در ترجمه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ» (۲۵پ).

و اما نکته پایانی این که این دست‌نویس خالی از ارزش واژگانی نیست و الفاظی مانند «بشارت دیه» (۱پ)، «دیک: دیروز» (در آیه «كَأَنَّ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ: پنداری که نبود دیک» (۶پ)^۲، «فراز آوردن به معنی فرود آوردن» (۳۳پ) و «هنبازان» (۱۴ر) وجود دارد.

تلفظ‌ها و نشانه‌های لهجه‌ای خاص در آن کمیاب است. از مهم‌ترین خصوصیات زبانی «ترجمه قرآن ری» پیشوند فعلی «ها» و حروف اضافه «وا/ورا/وی = با/بر/بی» است که با وجود شباهت واژگانی نسبی این دو ترجمه، اثری از این ویژگی‌ها در ترجمه حاضر دیده نمی‌شود، مگر در یک مورد کاربرد فعل «هاکردن» (سوره یوسف: ۷۱).

تنها نکته زبانی حائز اهمیت، بکار بردن فعل‌های دوم شخص جمع به شکل صیغه دوم شخص مفرد در سراسر متن است. به طوری که به جز یکی دو مورد، مابقی افعال این صیغه، شناسه دال ندارد: «مگر اندکی از انج بخورید» (۳۰ر).

۱. با نگاهی حتی گذرا به فرهنگنامه قرآنی (باحقی، ۱۳۸۹) یا فرهنگنامه بزرگ قرآنی (رواقی، ۱۳۹۵، ج ۱) این نکته آشکار می‌شود.

۲. «دیک» به معنای دیروز در متون بی سابقه نیست. رک. ترجمه قرآن ری، ص ۱۹۵ ذیل همین آیه ۲۴ سوره یونس.

پژوهشگران شواهد این شکل از فعل را در متون مختلف (آثار خواجه عبدالله انصاری، اسرار التوحید و جز آن) نشان داده و نظرات گوناگونی پیرامونش ارائه کرده‌اند. از میان ترجمه‌های قرآنی استعمال این ساخت در ترجمه قرآن ری (بیش از نیمی از صیغه‌ها) و نیز در تفسیر ابوالفتح رازی (حدود نود و هشت درصد موارد) قابل توجه است.^۱ نمونه‌هایی از آن در ترجمه حاضر چنین است:

- او ان خذاست کی بکرد برای شما شب تا بیارامی درو (۱۳پ).

- شما هر دو راستی باشی و پس روی مکنی راه آنان را کی ندانند (۱۷ر).

- گفت اینست انک ملامت می کنی مرا درو (۲۷ر).

- گفت نفرستیم او را با شما تا انگه کی بکنی با من عهدی از خدا (۳۳ز).

- منادی کرد منادی کی اهل کاروان شمایی دزدان (۳۴).

امید است بازخوانی و گزارش این برگردان نکاتی را برای علاقه‌مندان به این پژوهش‌ها و متون

در بر داشته باشد.

۱. ترجمه قرآن ری، ص شانزده از مقدمه مصحح.